

عدم تعادل، نوعی بیماری است

چگونه و از چه راه می توان معتدل بود ؟

انسان دارای، صفات، خصائص و غرائز و ابعاد مختلفی می باشد همچنانکه دارای عشق و محبت است ، نفرت و خشم نیز دارد ، شجاعت و ترس ، خوددوستی و دیگر دوستی و... جزء نهاد او است و بالاخره جهانی بزرگ در این « جرم » و پیکر کوچک انسانی نهفته است . اکنون چنانچه کسی به يك طرف متمایل گردد فرضاً حتی تنها به «محبت» توجه کند و هرگز « نفرت و خشم » نداشته باشد یا همیشه مشهور و بی باک و به غریزه «ترس» بی اعتنا باشد و ... ، يك انسان متعادل و نرمال و به تعبیر دیگر : يك انسان سالم نیست .

در روانشناسی ، افرادی که رفتار معتدل ندارند ، «ناهنجار» یا «نرمال» نامیده می شوند و روانشنان بر این عقیده اند که : این افراد ، به علل گوناگون ، به نوعی بیماری و کمبود مبتلا هستند که باید با یافتن عامل بروز این بیماری آنان را معالجه نمود .

به عبارت دیگر: انسانی که به افراط یا تفریط متمایل است و در برخورد با مسائل زندگی ، به يك جنبه توجه دارد و جنبه های دیگر را مورد توجه قرار نمی دهد ، یکی با چند بعد از ابعاد وجودیش راکد و تعطیل شده است .

زیرا این حقیقت مسلم است که وجود

آئین اعتدال :

راهی که انتخاب کرده، ستایش خواهند کرد
 ومژده پیروزی ونجات به وی خواهند
 داد و کسی که راه راست یا چپ را به پیش
 گیرد وی را سرزنش خواهند نمود و از
 هلاکت و نابودیش برحذر خواهند داشت»
 . (۳)

ودر مورد کسانی که در آینده بگمراهی
 وبدبختی خواهند افتاد، پیش بینی کرده و
 می فرماید : « راست و چپ را که راه
 گمراهی و تباهی است پیش گرفته ، روش
 رشد و کمال را ترك خواهند نمود. » (۴)
 بنابراین اسلام که «صراط سَوِيٍّ»
 و آئین اعتدال است ، شخص مسلمان
 نمی تواند در حالی که مسلمان است به
 افراط یا تفریط ، به چپ یا راست بگراید
 و از اعتدال خارج شود یا به يك بعد از ابعاد
 اسلام توجه نماید.

همچنانکه وجود انسان به فرموده مولا
 علی (ع) «جهان پهناوری است» (۱) و
 دارای ابعاد گوناگون می باشد ، آئین
 اسلام که ضامن سعادت انسان در دوجهان
 می باشد نیز، دارای ابعاد مختلف میباشد
 وبعدهای وجودی انسان را شکوفا میکند
 وفطرت وسرشت وی را به طور صحیح
 راهنمایی وتربیت می نماید واجازه نمیدهد
 تنها به يك جنبه توجه شود و جنبه دیگر
 فراموش گردد و افراط وتفریط را محکوم
 می نماید، وبه همین جهت هم هست که
 اسلام ، آئین اعتدال و دین میانه و
 «وسطی» است که در بخش پیش مشروحاً
 بیان شد.

راه راست، راه اعتدال و میانه

است :

علی (ع) می فرماید : **الْيَمِينُ وَ
 الشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ
 الْجَادَّةُ.** «از راست و چپ رفتن ، روبه
 گمراهی است و راه مستقیم و درست ، راه
 میانه و «وسطی» است» .
 و باز فرموده : «کسی که میانه و
 اعتدال را در پیش گیرد ، او را در مورد

 مسلمان يك بعدی :**

نقل شده است : در زمان مرحوم
 میرزای شیرازی بزرگ ، شخصی از
 مسلمانان ایران بازخمت بسیاری خود را
 به «سامرا» رسانید و به زیارت میرزا نائل
 شد و با خوشحالی تمام به اطرافیان گفت :

۱- اَتَرَعَمَ اَنْكَ جِرْمَ صَغِيرٍ وَفِيكَ اَنْطَوَى الْعَالَمِ الْاَكْبَرِ

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۶

۱- نهج البلاغه کلام ۲۱۳

۲- خطبه ۱۵۰

«این آخر عمری در جوار ائمه معصومین (ع) و در محضر آیت الله میرزای شیرازی خواهم بود» ولی برای همه شگفت آور بود که میرزا دستور داد این شخص را پس از زیارت، تا «مرز» همراهی کنند و اجازه بازگشت به وی داده نشود !!

به مرحوم میرزا گفتند: این شخص مدت‌ها زحمت کشیده است تا خود را به اینجا رسانده شما به چه منظور دستور فرمودید: که دیگر باز نگردد؟ پاسخ داد: آنطوری که من او را یافته‌ام، توقف او برای ما و برای همه مسلمین، دردسردست خواهد کرد و با لعن و نفرین کردن خللا، هر روز جنگ و دعوا پدرا خواهد انداخت.

درینش اسلامی، کسی که تنها به یک بعد توجه کند و مصالح و مفاسد را درک ننماید و با افراط‌کاری و یکسو نگری به مردم و عقاید آنان لطمه بزند یک، مسلمان واقعی نیست.

بعضی از مقدس‌نماها و برخی از روشنفکرهای شش‌آتشه، طرف افراط و تفریط را می‌پیمایند. آن بقدری خشک و منجمد می‌گردد که: لبخند را هم خلاف شرع می‌داند و قیافه درهم کشیده و عبوس، و لباس ژولیده و کیف و کلاه چرک را علامت زهد می‌شمارد! بوردست برخلاف اسلام و روش رسول اکرم (ص) و این آنچنان خودباخته، شرق و با غرب زده

می‌شود که هر چیز تهوع آور را نشانه تمدن و روشنفکری میدانند و در بست، مغز و تفکر خود را در اختیار بیگانه قرار میدهند!!

افراد نامعتدل نمی‌توانند مفید باشند:

اشخاص غیر معتدل، بر فرض این که تحصیل کرده و با معلومات هم باشند، کار مفیدی نمی‌توانند انجام دهند و معمولاً به جامعه زیان می‌زنند، با مشاهده کوچک‌ترین قصور، خطا و تقصیر، آبرو و حیثیت افراد را می‌برند! و به گفته معروف:

ندیدنشان بهتر از دیدنشان است، هر کاری را که خواستند انجام دهند، آنرا نامعقول انجام می‌دهند، و مثلاً اگر خواستند که تعریف و تمجید کنند، تا حد غلو و چاپلوسی و تملق پیش خواهند رفت و اگر خواستند انتقاد کنند، به عیبجویی و سرزنش و نیش‌زدن و تخریب خواهند پرداخت!

علی (ع) می‌فرماید: **الْفَنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٍ وَالْتَقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عَنِّي أَوْحَسُّ (۱)** «تعریف و ثنا گویی بیش از استحقاق، تملق و چاپلوسی است و از اندازه استحقاق کوتاه آمدن نیز تنگ‌نظری و حسادت است.»

در رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: **مَادِحُ الرَّجُلِ بِمَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَهْزِءٌ: كَسَى**

نموده است مانند افراد مبتلا به «سواس» که شهادتشان پذیرفته نیست!
 اینان بر اثر حالت گزندگی که دارند، در انجام وظیفه امر معروف و نهی از منکر، نه تنها عاجز و ناتوان هستند بلکه در همان حالی که امر معروف می کنند، روش و حرکاتشان، عملشان را خنثی و بی اثر می نماید و معروف را در نظر مخاطب، منفور و منکر جلوه می دهد! و در نهی از منکر، طرف را جری می کنند و به نجات او توفیق نمی یابند.
 (ادامه دارد)



را به چیزی که ندارد مدح و ثنا کردن، مانند مسخره کردن و استهزاء نمودن او است. باید در هر جا و در هر عمل، اعتدال محفوظ باشد.

افراد غیر معتدل، در داوری و قضاوت همیشه امیر جریان های پیش ساخته فکری خود هستند و هرگز نمی توانند در داوری، عدل و انصاف را رعایت کنند، حب و بغضهای آنان طبق بینش اسلامی نیست و داوری شان نیز بر مبنای حب و بغض می باشد.

این بیماری اخلاقی و نقص شخصیت، از نظر اسلام، به قدری ناپسند است که برخی از افراد غیر معتدل را از بعضی امتزایا محروم

پتیه از صفحه ۶۲

اکنون رشت را ترک کرده، به پناهگاه سابقم جنگل رفته ام و در آنجا به انتظار جواب موافق خواهم نشست...» (۲) مطالعات فقهی

چنانکه خوانندگان ملاحظه می کنند، میرزا کوچک خان، پای بندی خود را به مکتب، بدون کمترین بیم یا مجامله نشان داد. پس بر مردم مسلمان ایران به ویژه اهالی معتقد کیلان است که این فرزند رشیدشان را باز بشناسند و فریب تبلیغات و نشریات گمراه گر برخی از گروه های وابسته و منحرف از اسلام را نخورند، که از آرم جنگل و عکس سردار آن می خواهند لاقابل یکی از دودهنف شوم و شیطانی خود برسند. از يك طرف می خواهند و انمود کنند که میرزا کوچک خان نیز مانند شان تمایل به چپ و مکتب انحرافی داشت و از دیگر سو زیر چنان آرمها و عناوین، خود را مذهبی قلمداد کنند تا به خیال خامشان مردم به آنها اعتماد ورزند، و این يك خدعه و کید شیطانی است. (ان کید الشیطان کان ضعیفاً)